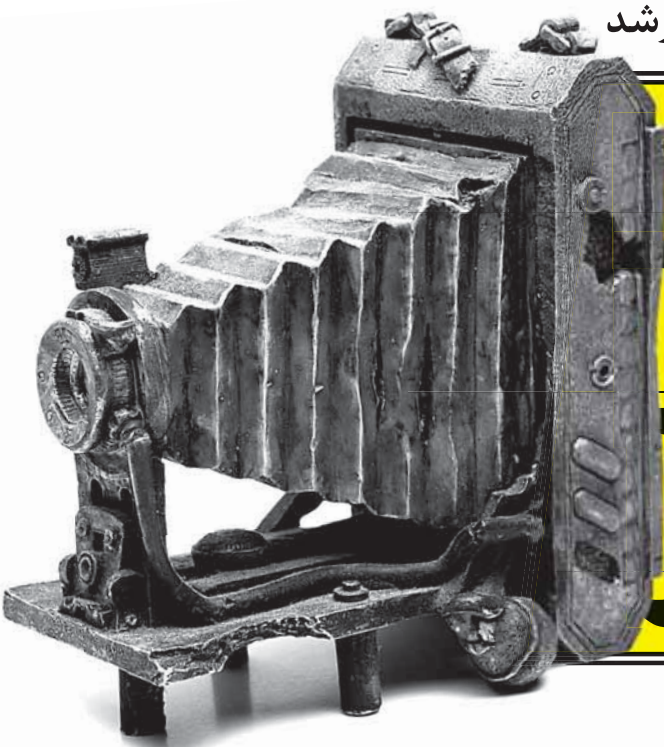


گزارشی از برگزیدگان هشتمین جشنواره عکس رشد



تخصصی زندگی در قاب هنر

با تاکید بر هنرآموزان و هنرجویان برگزیده هنرستان های فنی - حرفه ای و کاردانش کشور

اشاره

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی وابسته به سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۳ موفق شده است هشت دوره جشنواره عکس رشد را برگزار نماید. در این دوره ها عکاسان هنرمند هنرآموز و هنرجوی هنرستان های فنی - حرفه ای کشور نیز در این جشنواره حضور پیدا کرده و موفق به کسب رتبه های ارزشمندی شده اند.

در هشتمین جشنواره عکس رشد به سراغ تنی چند از این هنرآموزان و هنرجویان خلاق و هنرمند و برخی دیگر از برگزیدگان این جشنواره رفتیم و در خصوص تلاش های انجام شده آنان برای شرکت و چگونگی کسب موفقیت در این جشنواره گفت و گو کردیم. امیدواریم هنرآموزان و هنرجویان خلاق و هنرمندان شاغل به تدریس و تحصیل در هنرستان های فنی - حرفه ای سراسر کشور، ضمن آشنایی بیشتر با این جشنواره در دوره های آتی آن، حضور چشم گیر و مؤثرتری داشته باشند.

با جشنواره عکس رشد بیشتر آشنا شویم

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی برای کشف و پرورش استعداد های موجود در زمینه عکاسی در سراسر کشور، همچنین برای غنا بخشیدن و توسعه آرشیبو عکس دفتر و مجلات رشد و برقراری ارتباط با عکاسان علاقه مند به مسائل آموزشی و تربیتی در همه استان ها، جشنواره عکس رشد را از سال ۱۳۸۳ کلید زد. این جشنواره تاکنون هشت دوره برگزار شده و دبیرخانه دائمی آن در این دفتر فعال است. آنچه در ادامه می خوانید مروری اجمالی بر سوابق این جشنواره حرفه ای و آموزشی ست.

اولین جشنواره عکس مهر (۱۳۸۱)

«اولین مسابقه عکس مهر (رشد)» در آذرماه ۱۳۸۱ کلید خورد و مراسم اختتامیه آن نیز در سال ۱۳۸۲ به طرز باشکوهی در تهران برگزار شد. در مدت زمان مشخص شده برای ارسال آثار از سوی عکاسان، قریب ۴۵۰۰ عکس از عکاسان دانش آموز، فرهنگی و معلم به دبیرخانه جشنواره ارسال شد که برگزیدگان آن ها

کلیدواژه ها:

جشنواره عکس رشد، آموزش فنی و حرفه ای

با توجه به موفق

بودن نخستین

مسابقه عکس و

استقبال عکاسان

دانش آموز

و بزرگسال،

این مسابقه به

«جشنواره عکس

مهر» تغییر نام

یافت و دومین

جشنواره عکس

مهر در سال ۱۳۸۳

برگزار شد

ششمین جشنواره عکس رشد (۱۳۸۹)

عصر روز یکشنبه ۱۱ مهر ۱۳۸۹ مراسم اختتامیه ششمین جشنواره عکس رشد در سالن ایران «مؤسسه فرهنگی هنری صبا» برگزار شد. در این جشنواره نیز، طی مهلت مقرر ۶۹۶ عکاس بزرگسال با ۵۹۵۰ عکس در دو گرایش «آموزش و پرورش» و «ایران سرزمین من» آثار خود را ارسال داشتند و در جشنواره ششم حضور یافتند.

هفتمین جشنواره عکس رشد (۱۳۹۱)

هفتمین جشنواره عکس رشد از ۱۱ الی ۱۸ مهرماه ۱۳۹۱ در مؤسسه فرهنگی هنری صبا برگزار شد. در هفتمین جشنواره عکس رشد، ۲۹۲ عکاس هنرمند از سراسر کشور ۹۷۲۴ عکس خود را برای دبیرخانه جشنواره ارسال کردند. در این جشنواره از هفده عکاس برگزیده تجلیل شد و به برگزیدگان، تندیس، لوح افتخار و جوایز نقدی اهدا گردید.

هشتمین جشنواره عکس رشد (۱۳۹۳)

نگارخانه آئینه در مؤسسه فرهنگی و هنری صبا، در روز چهارشنبه ۲۳ مهرماه، شاهد آثار و عکس‌های ۱۵۸۸ عکاس هنرمند از سراسر کشور بود که آثار خود را برای هشتمین جشنواره عکس رشد ارسال کرده بودند. این آثار از میان ۱۶۴۲۸ عکس و پس از قضاوت و بررسی داوران جشنواره به این نمایشگاه راه یافته بود. ضمناً در مدت زمان برگزاری جشنواره تعداد ۲۵۸ اثر منتخب در نمایشگاهی به همین نام به تماشای عموم گذاشته شده است.

پای صحبت هنرآموزان، هنرجویان و برگزیدگان جشنواره

از ظرفیت عکاسی هنرستان‌های کشور در جشنواره عکس رشد بیشتر استفاده کنید! سلیمان گلی از استان خراسان رضوی، برگزیده بخش بزرگسال و گرایش «ایران سرزمین پرگهر» است. وی مدرک لیسانس هنرهای تجسمی، را در سال ۱۳۸۸ دریافت کرده است.

سلیمان گلی: کار عکاسی را با سینمای جوان آغاز کردم و بیشتر با فیلم کوتاه سروکار داشتم. اما بعدها که احساس کردم کار تیمی خیلی جواب نمی‌دهد و گرفتاری‌هایی دارد که شاید مانع رشد فردی شود، به‌سوی عکاسی کشیده شدم. در همین ارتباط

معرفی شدند و طی مراسمی از آنان تجلیل به عمل آمد.

دومین جشنواره عکس مهر (۱۳۸۳)

با توجه به موفق بودن نخستین مسابقه عکس و استقبال عکاسان دانش‌آموز و بزرگسال، این مسابقه به «جشنواره عکس مهر» تغییر نام یافت و دومین جشنواره عکس مهر در سال ۱۳۸۳ برگزار شد. در این جشنواره هم تعداد ۵۶۴۷ عکس به دبیرخانه جشنواره رسید. در این جشنواره استان اصفهان با ۱۵۶ شرکت‌کننده مقام نخست، استان تهران با ۱۲۸ شرکت‌کننده مقام دوم و استان خراسان با ۱۲۰ شرکت‌کننده در مقام سوم قرار گرفتند.

سومین جشنواره عکس رشد (۱۳۸۵)

سومین جشنواره عکس رشد در آبان‌ماه ۱۳۸۵ برگزار شد و ۱۵۳۸ عکاس از سراسر کشور در دو گروه سنی دانش‌آموزی (کمتر از ۱۸ سال) و بزرگسال، تعداد ۷۸۴۵ قطعه عکس به دبیرخانه جشنواره ارسال کردند.

بیشترین شرکت‌کنندگان در سومین جشنواره عکس رشد از استان‌های خراسان رضوی با ۳۶۸، تهران با ۳۲۰ و اصفهان با ۲۶۴ عکس بودند.

چهارمین جشنواره عکس رشد (۱۳۸۶)

شهریورماه سال ۱۳۸۶، هنگام برگزاری چهارمین جشنواره عکس رشد بود. در این جشنواره که از این دوره به بعد با همکاری «فرهنگستان هنر» و «مرکز فرهنگی هنری صبا» برگزار شد، عکس‌های ارسالی از رشدی ۳۵ درصدی برخوردار بودند و ۸۸۰ عکاس هنرمند آثار خود را در قالب بیش از ۱۰۶۹ عکس برای شرکت در جشنواره ارسال کردند که نهایتاً ۳۰۸ عکس برای حضور در نمایشگاه انتخاب گردید و برگزیدگان نهایی نیز در هر بخش و گرایش معرفی شدند.

پنجمین جشنواره عکس رشد (۱۳۸۷)

پنجمین جشنواره عکس رشد، در روز بیستم مرداد ۱۳۸۷، در پنج گرایش مدرسه من؛ خانه من، مستند اجتماعی، معماری سرزمین من ایران، نیایش، ترویج تولید و مصرف کالای ایرانی برگزار شد. بیش از ۱۴۰۰ عکاس، یازده‌هزار عکس به این جشنواره ارسال کردند که در نهایت ۳۰۰ عکس به نمایشگاه جشنواره راه یافت.



نگارخانه آئینه در مؤسسه فرهنگی و هنری صبا شاهد آثار و عکس‌های ۱۵۸۸ هنرمند از سراسر کشور بود که آثار خود را برای هشتمین جشنواره عکس رشد ارسال کرده بودند



**برگزیده بزرگسال
از خراسان رضوی:
واقعیت این
است که ما در
شهرستان‌ها با
محدودیت‌های
بسیاری روبه‌رو
هستیم و با آنکه
انرژی زیادی را
صرف کارهای
کیفی و حرفه‌ای
می‌کنیم، فضا و
زمینه مناسب برای
ارائه کارها و کسب
درآمد متعارف
و حداقلی برای
پوشش هزینه‌ها
وجود ندارد**



متأسفانه باز هم در شهرستان‌ها امکانات آموزشی و فضاهای حرفه‌ای برای کسب تجربه کم است و اگر در این جشنواره به این موضوع توجه شود، این سرمایه‌های بالقوه در آینده خواهند توانست در خدمت هنر عکاسی مملکت خودشان قرار گیرند.

حرف آخر هم اینکه همه این مراسم و برنامه‌ها می‌گذرد و هنر عکاسی که هویت آن به ثبت لحظات است، خود نیازمند یک کار مکتوب است تا برای همیشه در سوابق و کتاب‌ها بماند. به نظرم همه کسانی که آثار آن‌ها با رقابت و در یک مسابقه تنگاتنگ برگزیده شده است، انتظار دارند که یک نسخه از کتاب عکس جشنواره را در کتابخانه و آرشیو خود داشته باشند. ضمناً چنین کار بزرگی نیاز به تبلیغات و اطلاع‌رسانی بیشتری دارد و در این زمینه هم باید اقداماتی برنامه‌ریزی شده انجام شود تا گستردگی و فراگیری بیشتری داشته باشد؛ ان شاء الله.

**جای خالی هنرآموزان و هنرجویان
فنی و حرفه‌ای در جشنواره عکس رشد
حسن بایگی؛ استان خراسان رضوی راه یافته
به بخش نمایشگاهی جشنواره**

حسن بایگی می‌گوید: اهل تربت حیدریه در استان خراسان رضوی هستیم، در رشته گرافیک از هنرستان فارغ‌التحصیل شده‌ام و در حال حاضر هم دانشجوی رشته گرافیک دانشگاه ثامن در مشهد هستم. آموزش عکاسی را با درس عکاسی (۱) در سال دوم هنرستان شروع کرده‌ام و حضور خود را در این جشنواره مدیون معلم آقای سلیمان گلی هستم که اتفاقاً ایشان هم از برگزیدگان جشنواره امسال‌اند.

با تلفن همراهم عکاسی می‌کنم. البته رشته‌ام رشته عکاسی و فنی و حرفه‌ای است ولی علاقه‌مندی خودم به هنر عکاسی را مدیون معلم‌ام هستم و در زمینه مستند اجتماعی هم عکاسی می‌کنم. خیلی چیزها

توانستم در سال ۱۳۸۸ انجمن عکاسان را در شهر تربت حیدریه راه‌اندازی کنم و با راه‌اندازی رشته‌هایی در هنرستان‌های شهر زمینه کاری من نیز توسعه پیدا کرد.

واقعیت این است که ما در شهرستان‌ها با محدودیت‌های بسیاری روبه‌رو هستیم و با آنکه انرژی زیادی را صرف کارهای کیفی و حرفه‌ای می‌کنیم، فضا و زمینه مناسب برای ارائه کارها و کسب درآمد متعارف و حداقلی برای پوشش هزینه‌ها وجود ندارد. همین موضوع باعث شده است که جشنواره‌های عکاسی، به‌خصوص جشنواره‌هایی مانند جشنواره عکس رشد که به حوزه کاری ما هم نزدیک است، برای ما و دانش‌آموزان علاقه‌مند بسیار بااهمیت باشد. واقعاً اگر این جشنواره‌ها نباشد، ما اصلاً امکان و فرصتی برای عرضه کارهای خود نداریم و در نتیجه در درازمدت قادر نخواهیم بود، با همه علاقه‌مندی و انگیزه‌های شخصی، این کار را ادامه دهیم.

ضمناً من گمان می‌کنم با توجه به درس عکاسی در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و حضور خیل عظیمی از هنرآموزان و هنرجویانی که در این رشته تدریس و تحصیل می‌کنند، ظرفیت بالایی در اختیار داریم که می‌تواند در خدمت جشنواره‌های هدفمند مانند جشنواره عکس رشد قرار گیرد و منشأ تأثیرات بسیار مثبتی شود و بر غنای گنجینه عکس رشد و مجلات رشد بیفزاید.

شاید لازم باشد اطلاع‌رسانی اختصاصی و بیشتری برای هنرستان‌های کشور داشته باشیم تا ضمن جلب همکاری هنرستان‌ها و دادن مسئولیت بخشی از کارها مانند اطلاع‌رسانی در سطح استان‌ها و همراه کردن هنرجویان با این جشنواره، نتایج بهتری را در دوره‌های آتی کسب کنیم.

به‌نظر من جشنواره‌های مانند جشنواره عکس رشد که توانسته است، هشت دوره تداوم یابد و از این رهگذر، ضمن تأمین نیازهای تصویری مجلات رشد، زمینه معرفی و شناسایی هنرمندان عکاس به‌خصوص دانش‌آموزان را فراهم کند، باید به فکر توسعه دامنه و تأثیر خود باشد. چه خوب است که در مدت برگزاری جشنواره برای دانش‌آموزان دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی و کارگاه‌های عملی گذاشته شود تا برگزیدگان و خصوصاً دانش‌آموزان برتر، که نشان داده‌اند ظرفیت و توان این کار را دارند، از این فرصت برای دانش‌افزایی و کسب تجربه استفاده کنند.

این موضوع را به این جهت عرض می‌کنم که

سعیدرضا مقصودی؛ استان مرکزی رتبه اول،

بخش بزرگسال و گرایش آموزش و پرورش

وی چنین می گوید: سعیدرضا مقصودی دبیر هنر از شهرستان شازند هستم. به دلیل شغل و حرفه‌ام نگاهی دقیق و از سر کنجکاو به محیط پیرامونم دارم. یک روز متوجه شدم که عکس برخی از دانش‌آموزان یا تصویر آنان روی دیوار کلاس مانده است. وقتی که صندلی‌های کلاس را برای برگزاری امتحان بیرون بردیم و برگشتیم هنوز آن‌ها در کلاس بودند.

زمان شکار لحظه‌ها بود! لحظه‌ای که گذشتن از آن برای هیچ عکاسی ممکن نیست. باورکردنی نبود! اما حقیقت داشت. از بس که بچه‌ها کنار دیوار نشسته بودند عکس و شمای خاکستری رنگی از آن‌ها روی دیوار کلاس به جا مانده بود. شبیه نقاشی‌های مانده در قرون و اعصار بر دیواره غارها! اگرچه آن قدمت را نداشتند اما خیلی تأثیرگذار بودند.

دست به کار شدم. من اعتقاد دارم که برای گرفتن عکس هم مانند یک فیلم سینمایی یا یک صحنه تئاتر می‌توان صحنه‌آرایی کرد. البته باید قواعد حرفه‌ای و اخلاقی رعایت شود. در سینما و تئاتر هم شما این کار را می‌کنید و البته قواعد بازی را هم نادیده نمی‌گیرید. یک صندلی را در ردیف اول و محل نشستن دانش‌آموزان جا گذاشتم. این نشانه می‌توانست به کسی که عکس را می‌بیند کمک کند تا زودتر تصویر و ماجرای این ماندن را تشخیص دهد. حاصل چندین عکس، مدیریت صحنه و قاب عکس و تصویری که با یک برش از بالای عکس (کراپ) به دست آمد راضی‌ام کرد.

عکس را سیاه و سفید کردم. عکس‌م راه کلاس درس تا تهران را خیلی زود در دنیای مجازی طی کرد و وقتی به هشتمین جشنواره عکس رشد رسید، نظر داوران را به خود جلب کرد و بالا رفت. آن قدر بالا که رتبه اول را در بخش بزرگسال و گرایش آموزش و پرورش به خود اختصاص داد و حالا من، ضمن تشکر از همه مجریان این جشنواره، با دستانی پر به نزد دانش‌آموزانم برمی‌گردم تا سال‌های آینده با دانش‌آموزانم در این جشنواره حضور یابیم.

البته نقش جشنواره رشد هم در این میان خیلی مهم است. چون من تصویر دانش‌آموزانم را روی دیوار دیدم و جشنواره عکس رشد، عکس مرا در میان شانزده هزار عکس پیدا کرد. ما هر دو کار هم را تکمیل کردیم و امیدوارم این جریان دوسویه در همه کشور فراگیر شود و بتواند غنای منابع تصویری

در جامعه ما تغییر می‌کند یا نابود می‌شود.

زندگی در روستاها و شهرهای کوچک دارد عوض می‌شود. روستاها دارند تغییر شکل می‌دهند و حرفه‌هایی که در زمانی خیلی مطرح بودند دارند از بین می‌روند. شاید خیلی از این تغییرات جبر زمانه باشد و عملاً نتوانیم از بروز آن‌ها جلوگیری کنیم، اما یک عکس، حتی اگر حرفه‌ای هم نباشد می‌تواند کمک کند تا گذشته خودمان را به آینده پیوند بزنیم.

ضمناً این هنر و عکاسی باعث می‌شود با مردم جامعه ارتباط بیشتری پیدا کنیم. عکس من که در جشنواره رتبه آورده است، مربوط به چهره‌نگاری از افرادی است که هنوز مانند سابق کلاه یا عمامه مخصوص ساکنان جنوب خراسان را بر سر دارند. در این عکس، عکسی قدیمی هم به کمک من آمده است تا گذر زمان را در یک قاب مشترک بهتر به تصویر بکشیم. آن‌ها وقتی عکس مرا در همان قاب کوچک دوربین تلفن همراه دیدند، ذوق کردند و شاید هم کمی غمگین شدند. گذشت زمان، یادآوری گذشته و به‌خصوص جوانی و تصویری که بازگشت به آن غیرممکن است شاید کمی غم‌انگیز باشد، اما بخشی از واقعیت زندگی است که دقت در آن ما را نسبت به ادامه آگاهانه زندگی کردن و استفاده بهتر و بیشتر از موقعیت‌های عمر تشویق و ترغیب می‌کند. موضوع مهمی که باید در جشنواره‌های عکس رشد به آن توجه شود، وجود هنرستان فنی و حرفه‌ای و ظرفیت نهفته در این مراکز برای کار عکاسی است. من و همکلاسی‌هایم به دلیل رشته و علاقه خود عکاسی می‌کنیم. حال اگر یک ارتباط مشخص‌تر و روشن‌تری از سوی دبیرخانه جشنواره با هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای برقرار شود، تعداد بیشتری از هنرجویان زمینه فعالیت و رقابت در این حوزه را به دست خواهند آورد و ضمناً عکس‌های بیشتر و بهتری هم به جشنواره خواهد رسید.

اگر عکس‌های هنرجویان در جشنواره‌ای انتخاب شود و در معرض دید علاقه‌مندان و داوران قرار گیرد قطعاً برای عکاس و هنرمند آن بسیار مهم خواهد بود. به نظر من جشنواره عکس رشد توانسته است این فرصت را برای من و همه کسانی که عکس‌های آنان دیده شده است، فراهم کند.

بچه‌ها رفته بودند، اما نقششان بر دیوار کلاس مانده بود!



**برگزیده رتبه اولی
از استان مرکزی:
من اعتقاد دارم
که برای گرفتن
عکس هم مانند
یک فیلم سینمایی
یا یک صحنه
تئاتر می‌توان
صحنه‌آرایی کرد.
البته باید قواعد
حرفه‌ای و اخلاقی
رعایت شود. در
سینما و تئاتر هم
شما این کار را
می‌کنید و البته
قواعد بازی را هم
نادیده نمی‌گیرید**



مجلات رشد و حتی کتاب‌های درسی و آموزشی را در پی داشته باشد.

یادگاری ما یادتان نرود!

مریم اسماعیل زادقلچای، استان آذربایجان شرقی، گروه دانش آموزی؛ گروه سنی ۱۳ الی ۱۸ سال و به صورت جنبی (با گرایش آزاد) در مسابقه شرکت کرده است.

به صحبت‌های وی گوش می‌سپاریم:

من دانش‌آموز سال سوم دبیرستان هستم و در تبریز تحصیل می‌کنم. برادرم که در حوزه رسانه فعالیت می‌کند، تأثیر خیلی زیادی در علاقه‌مندی من به هنر عکاسی داشته است و اکنون هم مشوق همپا و همراه من است تا بتوانم این هنر را دنبال کنم. جشنواره عکس رشد فرصتی بی‌همتا برای ما دانش‌آموزان است. من وقتی کتاب یکی از جشنواره‌های عکس رشد را دریافت کردم و آن را همراه خودم به مدرسه بردم، آن قدر آن را با دوستان و همکلاسی‌هایم ورق زدم و عکس‌های آن را بارها و بارها دیدیم که حالا تنها اوراق پراکنده آن، که مثل گوهری گران‌بهاست، برایم مانده است!

شاید برای کسانی که در شهری مانند تهران زندگی می‌کنند و به کتاب‌ها و مجلات عکس دسترسی دارند و می‌توانند در جشنواره‌های عکس شرکت کنند، ارزش و اهمیت جشنواره عکس رشد مشخص نباشد ولی برای من که دسترسی کمتری به منابع تصویری دارم این جشنواره فرصت پربهایی است که حالا با برنده شدن در آن به آینده کار عکاسی خودم بیشتر علاقه‌مند و امیدوار شده‌ام و تلاش می‌کنم که بتوانم این کار را ادامه دهم.

تنها خواسته من هم این است که حاصل این جشنواره‌ها، که از نگاه حرفه‌ای و تیزبین داوران شاخص و برجسته گذشته است، حتماً تبدیل به کتاب شود و نسخه‌ای را هم به دست ما برسانند. این گران‌بها هدیه‌ای است که از رتبه و جایزه جشنواره هم برای ما بهتر است. من گمان می‌کنم اگر یک اثر مکتوب و یادگاری از این جشنواره داشته باشم برایم گوهر گران‌بهایی است که آن را حفظ خواهیم کرد.

از مسئولان برگزاری جشنواره و برنامه‌های منظم و هدفمند آن، به خصوص کارگاه آموزشی جشنواره، که با حضور داوران و استادانی مانند آقایان اسعد نقشبندی و فرهاد سلیمانی برگزار شد، صمیمانه تشکر می‌کنم.

برف و دوربین، من و سرباز!

محمد مهدی کاربخش، از استان کرمان، گروه دانش آموزی؛ گروه سنی ۱۳ الی ۱۸ سال و به صورت جنبی (با گرایش آزاد) شرکت کرده است.

وی می‌گوید: محمد مهدی کاربخش راوری هستم. عکس برگزیده من ماجرای خاص خودش را دارد. وقتی که بعد از سال‌ها در کرمان کویری برف بارید، ثبت لحظات خاطره‌انگیز و به یادماندنی برای من مثل فرصتی گران‌بها بود که فقط با عکس جاودانه می‌شدند. این موقعیت، فرصتی نبود که به راحتی آن را از دست بدهم. شال و کلاه کردم و با دوستانم بیرون رفتیم. اولش هوا خیلی سرد نبود و کار کردن با دوربین هم راحت بود. اما کمی که گذشت و برودت هوا بیشتر شد، انگشتان دست‌هایم که بیرون از دستکش بود، کم‌کم سرد شد و کار عکاسی را برایم سخت‌تر کرد. در آن روز برفی کمتر کسی در شهر دیده می‌شد و انگار همه منتظر بودند تا برف بند بیاید و هیچ‌کس هم برایش مهم نبود که چند جوان علاقه‌مند دارند توی این هوای سرد و خنک دنبال سوژه عکاسی می‌گردند. چندبار یک خیابان را بالا و پایین کردیم که چشمانم به سربازانی افتاد که انگار به قصد مرخصی از پادگان خارج شده بودند. حالا کمی امیدوار شده بودم. جلو رفتم، چندتایی هم عکس گرفتم، اما نشد. حالت سربازها، ژست آن‌ها و حتی صورت سرخ و دست‌های آنان درون دستکش‌های سبز و مشکی آنی نبود که من می‌خواستم.

برگشتم و همان لحظه چند سرباز را دیدم که به من نزدیک می‌شوند. خودشان بودند. مثل همه لحظه‌هایی که یک عکاس همیشه منتظر آن است. نزدیک و نزدیک‌تر شدند. صدای ریز شاتر دوربین را که شنیدم، همانجا روی برف‌ها دراز کشیدم. دستانم سردم را به گرمی برایشان تکان دادم و آن‌ها مهربان از کنارم گذشتند.

همان عکس در هشتمین جشنواره عکس رشد برگزیده شد. کاش دوباره سربازها را ببینم و عکشان را به آن‌ها بدهم و بگویم من با شما برنده شدم، کاش دوباره در کرمان برف ببارد و من باز هم عکس بگیرم، کاش!

عکاس
شرکت‌کننده از
استان کرمان:
صدای ریز شاتر
دوربین را که
شنیدم، همانجا
روی برف‌ها دراز
کشیدم. دستان
سردم را به گرمی
برایشان تکان دادم
و آن‌ها مهربان از
کنارم گذشتند.
همان عکس در
هشتمین جشنواره
عکس رشد
برگزیده شد. کاش
دوباره سربازها را
ببینم و عکشان
را به آن‌ها بدهم و
بگویم من با شما
برنده شدم، کاش
دوباره در کرمان
برف ببارد و من باز
هم عکس بگیرم،
کاش!

